



Examining the conditions for applying o Disagreement with Sunni's in preference

Atiyeh Alizadeh Noori¹ | Mohammadtaghi Fakhlaei²

1. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Imam Reza International University, Mashhad, Iran. Email: atiyeh.alizadehnoori@imamreza.ac.ir

2. Corresponding Author, Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Shahid Motahhari Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: fakhlaei@um.ac.ir

Abstract

According to the well-known perspective of Shi'a Uṣūlī scholars, "opposition to the 'āmmah" (i.e., the Sunni majority) is regarded as one of the significant and influential criteria in the process of resolving contradictions and establishing preference between conflicting narrations. In other words, whenever two oppositional reports are equivalent in terms of both chain of transmission and meaning, and no reasonable reconciliation between them is possible, the report that diverges from or contradicts the opinions and legal verdicts of the Sunni schools attains priority over the other. Thus, "opposition to the 'āmmah" is recognized as a preferential advantage.

Accordingly, an accurate understanding of the true nature of this preferential criterion, as well as a clarification of the conditions, parameters, and limitations governing its application, constitutes a fundamental issue explored in this study. Employing a descriptive-analytical methodology, this research first explicates the conceptual meanings of "'āmmah and contradiction with 'āmmah," and through a careful comparison and distinction between the two notions of factor of preference and distinguishing factor, proceeds to examine the necessary conditions for the realization of contradiction with 'āmmah as a legitimate criterion for preferring among conflicting reports.

The analytical investigation of these conditions, collected through extensive scrutiny of diverse juridical and Uṣūlī sources, reveals that many of them are not verifiably present in practical applications of contradiction with 'āmmah. Consequently, serious doubts have arisen regarding the maximal employment of this criterion by jurists, underscoring the need for a renewed reading of the Shi'a jurisprudential heritage in this regard.

Keywords: Disagreement with Sunni's, Conflicting Narrations, Preference Attribute of Issue, Ascribing to Reservation.

Cite this article: Alizadeh Noori, A., & Fakhlaei, M. (2026). Examining the conditions for applying o Disagreement with Sunni's in preference. *Jurisprudence and the Fundamentals of the Islamic Law*, 59 (1), 59-83. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

Authors retain the copyright and full publishing rights.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2026.403456.669905>



Article Type: Research Paper

Received: 6-Oct-2025

Received in revised form: 5-Jan-2026

Accepted: 12-May-2026

Published online: 22-Sep-2026

بررسی شروط کاربست مخالفت با عامه در ترجیح

عطیه علیزاده نوری^۱ | محمدتقی فخلعی^۲

۱. استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا علیه السلام، مشهد، ایران. رایانامه: atiyeh.alizadehnoori@imamreza.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، استاد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: fakhlaci@um.ac.ir

چکیده

طبق دیدگاه مشهور اصولیان شیعه، «مخالفت با عامه» به‌عنوان یکی از معیارهای مهم و اثرگذار در فرآیند علاج تعارض و ترجیح میان روایات متعارضه محسوب می‌شود؛ بدین معنا که هرگاه دو خبر متعارض، از حیث سند و دلالت هم‌سنگ باشند و امکان جمع عرفی میان آن‌ها وجود نداشته باشد، آن یکی که ناسازگار و ناهمسو با رأی و فتوای مذاهب اهل سنت است، بر دیگری رجحان می‌یابد و بدین ترتیب «مخالفت با عامه» به مثابه مزیتی ترجیحی شناخته می‌شود. در این راستا شناخت دقیق ماهیت واقعی این مرجح و همچنین تبیین ضوابط، شروط و حدود بهره‌گیری از آن، مسئله‌ای اساسی در این جستار به شمار می‌آید. در پژوهش حاضر، با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی، پس از توضیح مفهومی «عامه» و «مخالفت با عامه»، و نیز مقایسه و بازشناسی دقیق دو عنوان «مرجح» و «ممیز»، به بررسی شروط تحقق «مخالفت با عامه» در جایگاه مرجح اخبار متعارض پرداخته شده است. تحلیل و واکاوی این شروط که با تتبع گسترده در منابع مختلف فقهی و اصولی گردآوری شده‌اند، نشان می‌دهد که وجود بسیاری از آن‌ها در عرصه‌های کاربست «مخالفت با عامه» محرز نیست و در نتیجه تردیدهای جدی در به‌کارگیری حداکثری این مرجح توسط فقها بروز کرده و این امر به لزوم بازخوانی تراث فقهی شیعه در این زمینه یادآور می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مخالفت با عامه، تعارض روایات، مرجح جهتی، حمل بر تقیّه.

استناد: علیزاده نوری، عطیه، و فخلعی، محمدتقی (۱۴۰۵). بررسی شروط کاربست مخالفت با عامه در ترجیح. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۹ (۱)، ۵۹-۸۳.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۱۵

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۲

انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۳۱

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

حق چاپ و حقوق نشر برای نویسندگان محفوظ است.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2026.403456.669905>



مقدمه

«مخالفت با عامّه» از جمله مواردی است که در منابع روایی شیعه به عنوان مرجّح باب تعارض اخبار مطرح شده است. طرح بحث از این مرجّح در فقه و اصول امامیه از قرن چهارم هجری قمری آغاز شده^۱ و در طی قرون متمادی به کار بست این مرجّح اهتمام بیشتری صورت گرفته است. هر چند در برهه‌هایی از تاریخ، اعمال این مرجّح با فراز و فرود مواجه شده، اما تقریباً کمتر زمانی است که مورد توجه فقها و اصولیان نبوده باشد. علی‌رغم شدّت به‌کارگیری این مرجّح توسط فقها، متون فقهی و اصولی از بحثی مستقل در خصوص شروط و ضوابط عمل به این مرجّح خالی است که نوعی بی‌انضباطی در عمل و نتایج فقهی مستخرج از اعمال این مرجّح را به دست می‌دهد.

طبق فرضیه این نوشتار، «مخالفت با عامّه» مانند هر ابزار اصولی دیگر بایستی متعهد به حدود و ثغوری باشد که با لحاظ شرایطی، در برخورد با مسائل فقهی مختلف، بتوان به صورت یکسان و ضابطه‌مند از آن بهره جست. باید توجه داشت که صرف یک مسئله اختلافی در اصول فقه، نتایج متفاوتی را نیز در فقه به بار خواهد آورد. حال آنکه با جستجو در منابع فقهی و اصولی و تحلیل شرایط حضور معصومان علیهم السلام که مجرای اصلی صدور روایات متعارض است، می‌توان شروطی را استخراج کرده و همانند قواعدی فراگیر در احراز مرجّحیت «مخالفت با عامّه» بر وجود آن‌ها صحه گذاشت.

پیشینه پژوهش

بدیهی است «مخالفت با عامّه» به‌مانند هر ملاک تعیین‌کننده دیگری در امر استنباط، و نیز برای قرار گرفتن در شمار مرجّحات، بایست از شروطی برخوردار باشد تا به‌واسطه احراز آن‌ها بتوان بر صحت ترجیح اخبار مخالف با عامّه و طرح روایات موافق با ایشان، آرامش خاطر یافت. با وجود این، بحث از شروط کارآمدی این مرجّح، مطلبی است که به‌صورت عنوان‌دار و مشخص در منابع اصولی، ذیل بحث از «مخالفت با عامّه» مطرح نشده است، درحالی‌که نبود آن، نقیصه‌ای بزرگ در مباحث تئوریک این مرجّح به حساب می‌آید. از این‌رو در این مقاله سعی شده است تا به صورتی واضح و روشن، از مجموع گزاره‌های به‌دست‌آمده از کتب فقهی و اصولی در باب «مخالفت با عامّه»، شروطی استخراج شود و به‌طور ضابطه‌مند، اعمال این مرجّح را دایرمدار تحقق آن‌ها قرار گیرد.

^۱. ظاهراً ثقة الاسلام کلینی (۳۲۹ق) نخستین فقیه و محدّثی است که خبری از اخبار «مخالفت با عامّه» را در باب اختلاف الحدیث موسوعه خویش ذکر کرده است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱: ۶۸). پس از ایشان، شیخ صدوق (۳۸۱ق) در علل الشرائع به ذکر روایاتی پرداخته که در آن، علّت اخذ به مخالف عامّه بیان شده است (ابن بابویه، ۱۳۸۶ش: ۲: ۵۳۱) و در من لا یحضره الفقیه روایاتی را به جهت مخالفت با اهل خلاف، حمل بر تقیه کرده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۱: ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۳۳۱ و ۴۹۳: ۲: ۱۷۱، ج: ۳: ۴۸).

در خصوص ابعاد مختلفی از بحث «مخالفت با عامه»، سابقاً به قلم نویسندگان نوشته حاضر، مقالاتی به چاپ رسیده است؛ از جمله بررسی تاریخیچه این بحث در میان آثار فقهای امامیه،^۲ بررسی گستره عامه مورد مخالفت در کشف حدود و ثغور این مرجح^۳ و بررسی موردی اعتبار این مرجح در مسئله اختلافی نجاست خمر^۴ که جملگی متخذ از رساله‌ای با نام «بررسی رویکردهای عملی فقیهان امامیه به مخالفت با عامه در باب تعارض اخبار» بوده‌اند. پس از این رساله، مقاله‌ای با نام «واکاوی دلالت قاعده مخالفت با عامه در فقه و اصول شیعه»، توسط آقای محسن تسلیخ و دیگران در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده؛ همچنین رساله‌ای با عنوان «بازپژوهی معیار مخالفت با عامه در تعارض روایات»، در سال ۱۳۹۹ توسط آقای حسین نورالدینی در دانشگاه مذاهب اسلامی دفاع شده است. اما بررسی‌ها همچنان حاکی از آن است که در خصوص سنجش معیارها و شروط مرجحیت «مخالفت با عامه» سخنی مستقلاً ذکر نشده است؛ بحثی زیربنایی که حجیت و عدم حجیت این مرجح، وابستگی تام به تحقق آن شروط خواهد داشت.

عامه در اصطلاح

واژه «عامه» در اصطلاح فقه و حدیث، نمایانگر تعبیری از قبیل «اهل سنت» (مجلسی، ۱۴۱۶: ج ۶: ۲۳۷)، «جماعت» (مجلسی، ۱۴۱۶: ج ۶: ۲۳۷)، «جمهور» (حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ج ۴: ۴۳۶)، «قوم» (خز عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۷: ۱۱۸)، «ناس» (خز عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۲: ۲۸۵) و «أمة» (آل کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۳: ۳۵) است که به لحاظ کثرتشان نسبت به سایر فرق اسلامی به این عنوان، نام یافته‌اند (مشکور، ۱۳۶۸: ۳۲۹) و این لقبی است که شیعه در اکثر مصنفات خویش بر اهل سنت اطلاق می‌کند. (امین، ۱۴۰۶: ۱۶۸)

از میان آثار کهن روایی شیعه، کتاب‌هایی چون بصائر الدرجات (۲۹۰ق) و الکافی (۳۲۹ق) پیشگام در ضبط و گردآوری احادیث در بردارنده لفظ «عامه» در معنای اهل سنت هستند. (صفار، ۱۴۰۴ق: ج ۱: ۳۶۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱: ۶۸؛ ج ۴: ۸۶؛ ج ۷: ۱۰۰؛ ج ۸: ۲۷۰) این در حالی است که قبل از آن، «عامه» در روایات، بیشتر متضمن مفهوم لغوی «کلیت و شمول» بوده است. (علی بن ابی طالب، ۱۳۸۳ش: خطبه‌های ۱۲۷ و ۱۷۲، نامه‌های ۵۳ و ۵۴ و ۵۸؛ علی بن حسین، ۱۴۱۸ق: دعای بیست و سوم؛ حمیری، ۱۴۱۳ق: نص: ۵۵ و ۷۶ و ۱۴۱ و ۳۰۸ و ۳۳۸ و ۳۷۷؛ برقی ۱۳۷۱ق: ج ۱: ۶۷ و ۱۴۵).

۲. «نگرشی تاریخی - تحلیلی به مرجحیت مخالفت با عامه در متون فقه امامیه و تأملاتی در آن»، فصلنامه فقه، شماره ۸۱، دوره ۲۱، سال ۱۳۹۳.

۳. «درنگی در مرجحیت مخالفت با عامه در پرتو تحدید گستره عامه»، فصلنامه فقه و اصول، شماره ۱، دوره ۵۲، سال ۱۳۹۹.

۴. «اعتبارسنجی مرجحیت مخالفت با عامه در علاج تعارض اخبار (موردپژوهی: نجاست خمر)»، فصلنامه پژوهش‌های فقهی، شماره ۳، دوره ۱۴، سال ۱۳۹۷.

تعریف مخالفت با عامه

«مخالفت با عامه» به مفهوم اتخاذ رأی و یا رویه‌ای مخالف با مذاهب فقهی اهل سنت است، به گونه‌ای که در صورت تعارض میان دو خبر چنانچه یکی از آن دو با رأی و دیدگاه اهل سنت هماهنگ باشد و دیگری مخالف، دومی بر اولی ترجیح داده شود. با این توجیه که روایتی که مخالف نظر عامه است، آن را در موقعیت راجحی نسبت به خبر موافق با عامه قرار می‌دهد؛ از آن‌رو که گفته شده «مخالفت با عامه»، اماره غالب برای مطابقت با واقع است (کمره‌ای، بی‌تا: ج ۲، ۲۶۵)؛ برخلاف روایات موافق عامه که در آن‌ها احتمال تقیه‌ای بودن و عدم مطابقت با حکم واقعی وجود دارد (انصاری، ۱۴۱۶: ج ۲: ۸۰۴). بدین ترتیب «مخالفت با عامه» به‌عنوان مرجح جهتی در روایات متعارض، در زمره مزایا و مرجحات منصوصه باب تعارض ادله به شمار می‌آید.

شروط کاربست مخالفت با عامه در ترجیح

کاربست مخالفت با عامه به عنوان یکی از مرجحات شرایطی دارد که به آنها اشاره می‌شود.

شرط نخست: اشتراط تعارض

سخن از ترجیح و به‌کارگیری مرجحات، فرع وقوع تعارض میان روایات بوده و از اینجاست که شرطیت تعارض، در نگاه نخست، لزوم تعدد روایات را به هنگام بهره‌گیری از این مرجح یادآور می‌شود؛ علاوه بر اینکه از مفهوم آن، اجمالاً ناسازگاری روایات با یکدیگر نیز به دست می‌آید.

در کلام فقها با رویکرد دوگانه‌ای نسبت به این شرط مواجه هستیم؛ به‌گونه‌ای که اکثریت، بر اشتراط وجود تعارض در حمل بر تقیه تصریح دارند. (برای نمونه ر. ک: فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ج ۳: ۳۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ج ۴: ۴۹۵؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ج ۸: ۱۸۳)

پی‌ریزی بنای دو کتاب تهذیب و استبصار توسط شیخ طوسی نیز بهترین مؤید اشتراط تعارض در حمل بر تقیه به شمار می‌آید؛ چه‌آنکه به گفته ایشان، نگارش این دو کتاب برای رفع تعارض از اخبار ائمه علیهم السلام بوده‌است (ر. ک: طوسی، ۱۴۰۷: ج ۱: ۲-۴؛ همو، ۱۳۹۰: ج ۱: ۳-۵) و ملاحظه در موارد حمل بر تقیه این دو کتاب نیز ما را به این اطمینان می‌رساند که حتی در یک مورد هم، خبر بدون معارض، بر «مخالفت با عامه» عرضه نشده‌است. (به نقل از: صفری، ۱۳۸۱: ۳۴۶)

در همین رابطه، از عبارات مصباح الفقیه چنین به دست می‌آید که حمل اخبار بدون معارض بر تقیه-با فرض پذیرش سند آن-به‌مجرد موافقت با عامه، مخالف ضرورت فقه شیعه و اجماع فقهاست؛ چراکه به‌طورقطع، بسیاری از اخبار مورد عمل نزد ما، مخالف آرای ایشان نیست و اگر موافقت با عامه ولو در غیر صورت تعارض، موجب طرح خبر شود، در چنین صورتی بایست با عرضه هر خبر صحیحی بر اقوال عامه، در پی کشف وضعیت استنادی آن برآمد؛ یعنی در صورت موافقت، آن را حمل بر تقیه،

و در صورت احراز مخالفت، به آن عمل کرد، درحالی که بطلان این مسئله، امری بدیهی و واضح است. (همدانی، ۱۴۱۶: ۵؛ ج ۱۹۰ و ۱۹۱)

با این وصف، گروهی نیز دست به توسعه در کاربرد این مؤلفه زده و شرط وجود تعارض را در کاربست مخالفت با عامه نادیده گرفته‌اند (جزایری، بی تا: ۳۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۳؛ ج ۴۴۷).

برای نمونه میرزای نائینی در موضع بیان تفاوت میان حمل بر تقیه در دو مقام تعارض و غیر آن، اخبار وارده در عدم بطلان صلات به واسطه وقوع حدث قبل از سلام نماز را بی آنکه پای معارضی در کار باشد، تقیه ای می‌شمرد (نائینی، ۱۳۷۶: ۴؛ ج ۷۸۲). به نظر می‌رسد این فقیه در مثال مذکور صرف نظر از وجود تعارض، اماره تقیه را یافته و خبر موافق با عامه را از جهت احراز تقیه ای بودن کنار نهاده است.

بدیهی است انکار این شرط، «مخالفت با عامه» را از دایره مرجحات خارج می‌کند و شأن آن را تا حد «ممیز حجیت» ارتقا می‌بخشد.

روایاتی نیز که در آن‌ها اخذ به قول مخالف به صورت مطلق بیان شده است، -بی آنکه در ظرف تعارض اخبار وارد شده باشند-، در تأیید همین فرضیه مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

مانند روایت علی بن اسباط از امام رضا علیه السلام که راوی گوید: به امام رضا علیه السلام عرضه داشتیم: امری حادث می‌شود که ناگزیر باید حکم آن را دریابیم و در شهری که من هستم هیچ‌یک از دوستان شما حضور ندارند که از ایشان نظر بخواهم. حضرت پاسخ فرمودند: «نزد فقیه شهر رفته و از او در امر خود کسب نظر کن و چون تو را به چیزی فتوا داد، مخالف آن را عمل کن؛ چراکه حق در مخالفت با آن است». (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۲؛ ج ۲۴۸، ح ۱۰؛ همو، ۱۳۸۶ش: ۲؛ ج ۵۳۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۶؛ ج ۲۹۴ و ۲۹۵).

و روایت عبید بن زراره از امام صادق علیه السلام که حضرت فرمودند: «هر آنچه از من شنیدی که به قول عامه مردم شبیه بود، در آن، تقیه لحاظ شده و آنچه از من شنیدی که شبیه قول مردم نبود، در آن، تقیه نیست». (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۸؛ ج ۹۸؛ همو، ۱۳۹۰ق: ۳؛ ج ۳۱۸).

در این روایات، اخذ به مخالف با عامه، در مقام تعارض میان روایات مطرح نشده است، بلکه در غیر شرایط تعارض، امر به مخالفت با عامه در آن‌ها تصریح شده است.

تفاوت مرجح و ممیز

در علم اصول، اصطلاح «ممیز» در تفکیک حجّت از لاحجّت کارکرد یافته است؛ واژه ممیز در اثبات حجّت یکی از دو دلیلی که در تقابل با دلیل دیگری قرار دارد و نفی حجّت از دلیل دیگر معنا و نقش می‌یابد، و به منظور تشخیص دلیل معتبر از میان دو یا چند مصداق مردّد، در مواردی که یکی از دلیل‌ها، به طور نامعین حجّت باشد به کار می‌رود. (فرهنگ نامه اصول فقه، ۱۳۸۹: ۳۶۴).

به بیان دیگر، هرگاه دو دلیل با یکدیگر تنافی داشته باشند، دلیلی که دارای یکی از این ممیزات باشد، به عنوان دلیل حجّت، تعین می‌یابد و دلیل دیگر که فاقد این گونه ممیزات است، از حجّت ساقط و کنار گذاشته می‌شود. (فرهنگ‌نامه اصول فقه، ۱۳۸۹: ۷۹۸)

از اینجاست که تفاوت «مرجّح» و «ممیز» روشن می‌شود و آن اینکه: در بحث «ترجیح»، هر دو دلیل متعارض، هرچند تعبداً، حجّت هستند و ترجیح یک دلیل بر دیگری، دلیل مرجوح را از حجّت نمی‌اندازد؛ (ر. ک: مظفر، ۱۴۳۰ ق: ۳ ج: ۲۴۷) این در حالی است که «ممیز»، در جهت تعیین حجّت و کنار نهادن لاجحّت ایفای نقش می‌کند.

بنابراین آن‌طور که گفته شده است در باب اشتباه حجّت به لاجحّت، برای تعیین حجّت، نمی‌توان به قواعد باب تعارض عمل کرد؛ زیرا تعارض، در جایی است که دو یا چند دلیل متعارض، جملگی فی‌نفسه حجّت دارند و تنها اجتماع مدلول آن‌ها در عالم جعل و تشریع محال است؛ به‌خلاف معارضه حجّت و لاجحّت که یکی از آن‌ها دارای شرایط حجّت نبوده، ولی معلوم نیست کدامیک از آن‌هاست؛ از این‌رو در چنین مواردی قواعد باب علم اجمالی جریان می‌یابد (نائینی، ۱۳۷۶: ۴ ج: ۷۰۲ و ۷۰۳: حلّی، ۱۴۳۲: ۱۲: ۹)؛ بنابراین، در صورت وجود اصل عملی مطابق با یکی از آن دو، به آن رجوع شده و در غیر این صورت، مرجع، تخییر عملی خواهد بود. (یزدی، ۱۴۲۶: ۱۹۰)

از دیگر تفاوت‌های «ممیز» و «مرجّح»، می‌توان به این امر اشاره کرد که ممیزات حجیت حتی در صورت عدم وجود تنافی و آنجا که تنها یک خبر، موجود است نیز کاربرد دارند؛ برخلاف مرجّحات باب تعارض که نیازمند حداقل دو طرف هستند. (فرهنگ‌نامه اصول فقه، ۱۳۸۹: ۷۹۸)

برخی از فقها و اصولیان، «مخالفت با عامّه» را در شمار مرجّحات جای نداده و قائل به ممیزیّت این معیار در شناسایی حجّت از لاجحّت هستند. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۴۴۵؛ حلّی، ۱۴۳۲: ۱۲: ۲۹۱ و ۳۰۹؛ صالحی مازندرانی، ۱۴۲۴: ۴ ج: ۳۸۱ و ۳۸۲)

در توضیح این نظر باید افزود: در حجّت خبر، سه جهت لازم‌الاحراز بوده که یکی از آن‌ها جهت صدور است؛ یعنی بایستی محرز شود که خبر در مقام تقیّه صادر نشده، بلکه در مقام بیان حکم واقعی الهی بوده است و احراز این مطلب، توسط بنای عقلا بر عدم صدور به جهت تقیّه محقق می‌گردد. حال چنانچه خبر موافق عامّه مبتلا به معارض نباشد، بی‌شک آن اصل عقلایی جاری می‌شود؛ زیرا مانعی از تطابق حکم واقعی با رأی عامّه وجود نخواهد داشت، ولی آنجا که در میدان تعارض با خبر مخالف عامّه - که یقیناً در مقام بیان حکم واقعی است - قرار گیرد، دیگر مجالی برای اجرای آن اصل عقلایی در طرف موافق، نمی‌ماند و لذا جهت صدور و به‌تبع آن، اصل حجّیتش نیز دچار اختلال می‌شود و از این‌روست که اصل عدم حجّت جاری شده، و در نتیجه تنها، خبر مخالف عامّه حجّت خواهد بود.

(آل شیخ راضی، ۱۴۲۶: ۹ ج: ۸۷؛ محمدی، ۱۳۸۵: ۵ ج: ۲۸۰ و ۲۸۱)

این نظریه راه ورود اشکالاتی چند را بر خود هموار کرده است؛ از جمله اینکه به‌صورت کلی نمی‌توان خبر موافق با عامّه را از اعتبار ساقط دانست و طرح چنین نظری تنها در صورتی صحیح است که خبر

مخالف، قطعی الصدور باشد؛ در غیر این صورت، چنانچه خبر مخالف نیز ظنی الصدور باشد، تعارض، میان دو خبر ظنی محقق شده و همان طور که محتمل است خبر موافق با عامه مطابق با واقع نباشد، این امر در خبر مخالف با عامه نیز احتمال راهیابی دارد. (شب زنده دار، ۱۳۹۲: جلسه ۱۲۶)

محقق خوئی نیز در رد این نظر بر آن است تا بر فرضیه ای که طبق آن صرف وجود خبر مخالف، موجب اطمینان به عدم صدور خبر موافق یا لااقل تقیّه ای بودن آن می شود، خدشه وارد کند. وی در تأیید رأی خویش، از تأخر «مخالفت با عامه» نسبت به شهرت، در ترتیب مرجّحات مقبوله عمر بن حنظله سود جسته است؛ چراکه لازمه تقدّم اخذ به مشهور-با نظر به اطلاق و شمول معنای شهرت- آن است که این شهرت، شامل خبر مشهور موافق با عامه نیز می شود و این مؤیدی برای حجّت بودن خبر موافق با عامه به حساب می آید. (خوئی، ۱۴۲۲: ج ۲: ۴۹۰؛ همو، ۱۴۱۷: ج ۳: ۲۲۲)

در هر حال، ثمراتی را می توان بر چنین نزاعی مترتب دانست:

۱. آن طور که برخی گفته اند در فرض ممیزیّت «مخالفت با عامه»، خبر مقابل که حمل بر تقیّه شده، فاقد اعتبار بوده و به هیچ وجه قابل استدلال نیست، اما بر مبنای اخذ «مخالفت با عامه» به عنوان مرجّح، خبر حمل شده بر تقیّه، به کلی مردود انگاشته نشده و ممکن است به بخش دیگری از آن خبر که با خبر مخالف در تعارض نیست، استدلال شود (ر. ک: مامقانی، ۱۳۵۰: ۳۱۷؛ کاشف الغطاء، بی تا: ۵۲). کارایی این امر را می توان در بحث تقطیع روایات دنبال کرد. (ر. ک: صفری، ۱۳۸۱: ۲۸۱-۲۸۳)

۲. در مقام تراجم ممیزها و مرجّح ها، بنا بر قول به ممیزیّت «مخالفت با عامه»، بایستی آن را بر سایر مرجّحات مقدّم دانست؛ (آل شیخ راضی، ۱۴۲۶: ج ۹: ۸۹) چه آنکه ممیز، رقیب خویش را از صحنه تعارض خارج گردانده و به عنوان دلیل یگانه و تنها در مسئله باقی خواهد بود که با فرض انحلال و نابودی تعارض، اخذ بدان تعین می یابد، اما مرجّح در شرایط ابقای هر دو دلیل بر حجّیت، تنها، وزنه ترازو را به سمت دلیل راجح سوق می دهد.

شرط دوم: احراز اصالة الصدور در دو خبر متعارض

مقصود از این شرط، فارغ آمدن از صدور اطمینانی و حجّیت هر دو دسته روایات متعارض از حیث صدور از جانب معصوم علیه السلام است.

بر واضح است که بدون اثبات اصل صدور دو روایت متعارض و فراغت از اصالة الصدور، حمل بر تقیّه معنایی ندارد و در تأیید این قضیه می توان کلام فقهایی را گواه گرفت که به وجود چنین شرطی در مسئله حمل بر تقیّه تصریح کرده اند. (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ج ۳: ۱۳۳؛ ابن طاووس، ۱۴۰۶: ۱۱۳؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ ب: ج ۱: ۵۸؛ ج ۲: ۱۳۰)

برای نمونه صاحب مدارک بعد از ذکر حمل بر تقیّه ای که توسط شیخ طوسی در مسئله اولویت زوج برای خواندن نماز میّت بر جنازه همسر انجام گرفته است، تمامیت این حمل را مشروط به تکافوی در

سند، یعنی همان اطمینان به صدور هر دو خبر می‌شمرد. (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ الف: ج ۲: ۶۱) نتیجه اینکه اِعمال این شرط سبب می‌شود که مرجحیت «مخالفت با عامّه» در ترتیب بین مرجّحات، ذیل مرجّحات سندی واقع شود.

البته، قابل انکار نیست که در مجموع، این شرط، مورد عنایت تمامی فقها نبوده و در موارد اندکی، توجّه ایشان را به خود جلب کرده‌است.

شرط سوم: عدم امکان جمع عرفی

اشتراک عدم امکان جمع عرفی که درواقع با دلالت و ظهور روایات متعارض سروکار دارد، برگرفته از قاعده مشهور «الجمع مهماً أمکن أولى من الطرح»^۵ بوده و به این معناست که تعارض موجود در متن روایاتی که می‌خواهیم ترجیحی می‌انشان برقرار کنیم، تعارضی بدوی نبوده، بلکه از جنس تعارض مستقرّ است و بدین سان امکان جمع عرفی را میان آن‌ها منتفی می‌سازد.

برخی اصولیان با وارد کردن نابجای جمع عرفی در ردیف مرجّحات، به سنجش مرتبه آن پرداخته و درواقع، قیاس مع الفارق را شکل داده‌اند. در این میان، بعضی قائل به تقدیم تصرّف دلّالی بر تصرّف جهتی شده (عراقی، ۱۴۲۰: ج ۲: ۴۸۵ و ۴۸۶) و گروهی عکس آن را مختار خویش قرار داده‌اند (عراقی، ۱۴۱۷: ج ۲: ۵۵۵). مفهوم کلام این گروه، چنین خواهد بود که با حمل بر تقيّه، دیگر نوبت به تصرّف دلّالی، یعنی جمع عرفی نخواهد رسید.

درهرحال، تقدّم جمع عرفی بر حمل بر تقيّه، امری است که موردقبول اکثریت فقها و اصولیان قرار گرفته‌است. (استرآبادی، ۱۴۲۶: ۲۷۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۶: ۱۹۷؛ نراقی، ۱۴۲۲: ج ۲: ۳۷۶؛ انصاری، ۱۴۱۵: ج ۱: ۸۹ و ۳۷۴)

ابن‌ابی‌جمهور احسائی در ذیل مقبوله عمر بن حنظله مطلبی با این مضمون دارد که: نسبت به هر دو روایتی که در ظاهر با هم متعارض‌اند، در آغاز باید به جست‌وجوی معنای دقیق آن‌ها و چگونگی دلالت الفاظشان پرداخت و اگر با حمل بر جهات تأویل، امکان جمع می‌رفت، میان آن‌ها جمع کرد؛ زیرا که به اجماع علما عمل به هر دو دلیل در صورت امکان، از ترک یکی از آن دو بهتر است. (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵: ج ۴: ۱۳۶)

شیخ انصاری نیز در کلامی دیگر چنین بیان می‌دارد که: هرگاه بازگشت تعارض، به تعارض میان ظاهر و اظهر باشد، شکی در عدم ملاحظه سایر مرجّحات نیست و سرّ این مطلب، در آن است که مجرای ترجیح به مرجّحات، جایی است که جمع عرفی ممکن نباشد. (انصاری، ۱۴۱۶: ج ۲: ۷۸۴) اما به‌رغم این رویکرد حدّاکثری، برخی چون شیخ طوسی در مبانی اصولی خود، مرتبه اِعمال مرجّحات را مقدّم بر جمع عرفی دانسته‌اند. (طوسی، ۱۴۱۷: ج ۱: ۱۴۷ و ۱۴۸) درواقع، آن دسته از

^۵ مفاد این قاعده با تعبیری دیگر از ابن‌ابی‌جمهور احسائی نقل شده‌است: «فإنّ العمل بالدلیلین مهماً أمکن خیر من ترک أحدهما» ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵: ج ۴: ۱۳۶.

اصولیانی مخالفان اصلی این رویکرد به شمار می‌آیند که مرجح جهتی را مقدم بر اصالة الظهور می‌دانند. (ر. ک: عراقی، ۱۴۱۷: ج ۲: ۵۵۵)

جالب اینجاست که در فقه نیز می‌توان بر پذیرش این اعتقاد از سوی فقها نمونه‌هایی یافت. (برای نمونه ر. ک: بهبهانی، ۱۴۱۹: ج ۳: ۳۷ و ۳۸؛ انصاری، ۱۴۱۵: ج ۱: ۵۶۶ و ۵۶۷)

همسو با این نظر، صاحب حدائق با توجه به اینکه علت اصلی اختلاف اخبار را تقیه می‌شمرد، تقدیم جمع عرفی بر تقیه را بی‌مورد دانسته و ذکر آن در کتب فقهای شیعه را ناشی از تأثیرپذیری از عامه می‌داند؛ زیرا آن‌ها به جهت عدم اعتقاد به صدور تقیه‌ای حدیث، در هنگام اختلاف اخبار، متوسل به جمع می‌شوند. (بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۱: ۸۹ و ۹۰)

وحید بهبهانی نیز در بحث وجوب قرائت سوره بعد از حمد در نمازهای واجب، طی کلامی واضح، به چنین مطلبی اذعان کرده و گفته‌است: با تأمل در آنچه گفتیم فساد قول حمل بر استحباب از باب جمع بین ادله آشکار می‌شود؛ چراکه جمع، تنها بعد از تکافوی ادله معنا دارد وگرنه در شرایط تعارض، به مخالف عامه یا موافق شهرت بین اصحاب، یا موافق کتاب و سنت نبوی، و یا روایاتی که به لحاظ تعداد، از کثرت بیشتری برخوردار هستند عمل می‌شود. (بهبهانی، ۱۴۱۹: ج ۳: ۳۷)

هم‌ایشان ضمن بحث از حرمت مقرون کردن دو سوره در نمازهای واجب بر این امر تأکید می‌ورزند که مسئله‌ای جمع عرفی و تقدم بخشیدن آن بر مرجحات، از اموری است که بعدها حادث شده و آلا آنچه از قواعد مسلم عقلی و نقلی به‌طور قطعی نزد متقدمان و متأخران ثابت است، ملاحظه مرجحات و مقومات در وهله نخست است و اینکه دلیل راجح، همان حکم الهی است و براین اساس ادله مرجوح، یا به کلی کنار گذاشته می‌شوند و یا به‌گونه‌ای تأویل می‌روند که به همان دلیل راجح، بازگشت داشته باشند. (بهبهانی، ۱۴۱۹: ج ۳: ۴۵)

در هر صورت با شرط یافتن احراز اصالة الظهور، به‌کارگیری مرجح «مخالفت با عامه»، در ذیل ترجیحات دلالتی قرار می‌گیرد.

شرط چهارم: امکان حمل بر تقیه در خبر موافق با عامه

امکان دستیابی به رأی و نظر عامه و احراز موافقت و مخالفت با ایشان، (قزوینی، ۱۲۹۹: ج ۲: ۲۱۰) و راهیابی احتمال تقیه معصومان علیهم السلام در عصر صدور خبرین متعارضین نسبت به هریک از مذاهب عامه، شرط مهم دیگری است که بایست با لحاظ شرایط تاریخی و جغرافیایی زمان صدور، به صحت آن نائل آمد.

اشتراط وجود احتمال تقیه را که باید با جهت صدور روایات متعارض در ارتباط دانست، بر این امر صحه می‌نهد که یکی از دو خبر متعارض به جهت بیان حکم واقعی صادر نشده‌است.

طبق بررسی‌های دامنه‌دار منابع فقه شیعه که اخذ تقیه به‌عنوان اهمّ معیارهای «مخالفت با عامه» شمرده شده‌است، (بحرانی، ۱۴۲۳: ج ۱: ۳۱۲؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ج ۱۳: ۵۵) اطمینان یافتن از

وجود چنین مسئله‌ای در زمان صدور و علت قرار دادن آن برای صدور خبر موافق با عامه ضروری می‌نماید.

در مورد دستیابی به آرای عامه در زمان صدور نیز باید اعتراف کرد آسیب‌شناسی این مسئله، حاکی از عدم تحقق شرط مزبور در موارد فراوانی از استنادات فقها به بحث «مخالفت با عامه» است. با این التفات که اکثر روایات «مخالفت با عامه» از امام صادق علیه السلام نقل شده و در زمان حیات آن بزرگوار، مذاهب و آراء فقهی، بسیار متنوع بوده‌است؛ به‌علاوه پیدایی برخی مذاهب، مربوط به اواخر دوران حضور می‌شده (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۴: ج ۶: ۱۹۳) و مسئله حصر مذاهب نیز بعد از عصر حضور ائمه علیهم السلام در سال ۳۶۵ هجری انجام گرفته‌است؛ (بهبهانی، ۱۴۱۵: ۲۲۰ و ۲۲۱؛ نراقی، ۱۴۳۰: ج ۲: ۹۸۶؛ میرزای قمی، ۱۴۳۰: ج ۴: ۶۰۳ و ۶۰۴) از این رو وجود تکثر موجود در آراء اهل سنت، و عدم علم به شرایط حاکم بر آن دوران، به جهت شناخته نبودن تمامی مذاهب موجود در عصر صدور و نیز انقراض برخی مذاهب پس از مدتی، (سبحانی تبریزی، بی‌تا: ۵۷) تشخیص موافقت یا مخالفت با عامه را با دشواری فراوانی روبرو خواهد کرد.

بنابراین، آنچه امروز برای ما از علم به احوال و اقوال عامه، قابل دستیابی است، تنها موافقت و مخالفت با مذهب برخی از ایشان، آن هم با وجود احتمال خلاف در مورد مذهبی دیگر است و یقین به موافقت قطعی با جمیع یا اکثریت عامه و حتی رأی مشهور ایشان، امری است که تنها از عهده اصحاب حاضر در عصر ائمه علیهم السلام و افراد نزدیک به آن دوران برمی‌آمده‌است. (ر. ک: قزوینی، ۱۴۲۷: ج ۷: ۶۶۰)

بر مبنای اخذ تقیه به عنوان ملاک اعتبار مرجحیت «مخالفت با عامه»، و نیز با توجه به اینکه توافق عامه بر یک مطلب، بلکه اطلاع یافتن راوی بر آن، ولو در عصر واحد، (زمان صدور) به ندرت روی می‌دهد، بایستی پذیرفت که کارایی این مرجح، اختصاص به زمان حضور ائمه علیهم السلام و صدور اخبار داشته‌است و برای اعمال چنین مخالفتی بعد از آن دوران، جز در مواردی بسیار محدود و نادر نمی‌توان فرض صحیحی را قائل شد. (ر. ک: یزدی، ۱۴۲۶: ۵۲۱؛ حیدری، ۱۴۲۸: ج ۴: ۳۳۰)

به‌هرروی آنچه مسلم است این است که احراز این شرط در گرو آگاهی یافتن از وضعیت آرایش مذهبی عامه و گروه‌های مخالف جریان شیعی در زمان حضور ائمه علیهم السلام، و شناخت گستره جغرافیایی حضور عامه در زمان صدور اخبار و پی بردن به نحوه توزیع جمعیتی پیروان مذاهب است که در فقه کمتر بدان توجه شده (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳: ج ۱: ۱۰۸) و همین امر، زمینه کثرت بی‌حساب و دلیل استناد به مرجحیت «مخالفت با عامه» و حمل بر تقیه را فراهم آورده‌است.

این امکان نیز وجود دارد که بر اساس معیار طریقی در این زمینه، چنین موانعی وجود نداشته و قول عامه قبل از زمان ائمه علیهم السلام و بعد از ایشان نیز می‌تواند ملاک عمل قرار گیرد. (یزدی، ۱۴۲۶: ۵۲۳) همچنان که معدود فقهایی اخذ به مخالف عامه را از جهتی غیر از تقیه نیز صحیح

دانسته‌اند (نراقی، ۱۴۱۵: ج ۱۵؛ ۲۹۶؛ یزدی، ۱۴۲۱: ۲۱؛ اراکی، ۱۴۱۹: ۲۴۸) که بر مبنای رأی ایشان، احراز چنین شرطی ضروری نیست.

نکته دیگر اینکه بدیهی است سخن از این مرجح بر پایه واقعیت‌های موجود در دو جامعه سنی و شیعه بایست شکل گرفته باشد و تصوّر اختلافات فرضی میان مذاهب نمی‌تواند توجیهی منطقی برای تحقق هدف این مرجح باشد؛ لذا مجرّد اختلاف اخبار، مادامی که مذهبی از مذاهب اهل سنت در توافق با حدّ اقل یک سوی آن، مطلبی عرضه نکرده باشد، در حمل بر تقیّه کفایت نمی‌کند^۶ و صرف تکثیر مصنوعی شیعه-بدون وجود قائلی در میان عامه-وقایه‌ای را برای حفظ جان شیعیان فراهم نمی‌آورد. به علاوه در مواردی که هر دو خبر متعارض، مخالف عامه باشد، دلیلی بر تخطّی از اصل عدم تقیّه وجود ندارد؛ خصوصاً که تحت چنین شرایطی-در مقام ترجیح-نمی‌توان خبری را که درصدد بیان حکم واقعی است شناسایی کرد؛ (انصاری، ۱۴۱۶: ج ۲: ۸۰۹) افزون بر اینکه نمی‌توان تصوّر کرد امام علیه السلام حکم غیر واقعی را بی جهت بیان کرده باشند. (ر. ک: بهبهانی، ۱۴۱۵: ۳۵۴ و ۳۵۵)

شرط پنجم: احراز نظر اجماعی یا مشهور عامه

احراز رأی یکپارچه، اجماعی و یا دست کم مشهور عامه در ظرف صدور خبر، شرط دیگری است که فراروی این مرجح، ملحوظ واقع شده است. (حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ج ۱۱: ۳۴۱؛ طباطبائی کربلایی، ۱۴۱۸: ج ۲: ۷۸؛ ج ۱۵: ۲۱۰؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ج ۱۳: ۶۲) وجود این شرط، هر چند کارکرد حدّ اقلی «مخالفت با عامه» را به دنبال دارد، اما به هر حال، قدر متیقّنی از اِعمال این مرجح به دست می‌دهد.

بر همین اساس، در باور کثیری از فقها حمل بر تقیّه در صورت اختلاف عامه، متعیّن نخواهد بود؛ (برای نمونه ر. ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۷: ۵۴؛ ج ۹: ۲۲۱ و ۵۰۹؛ محقّق سبزواری، ۱۲۴۷: ج ۲: ۴۳۲؛ فیض کاشانی، بی تا: ج ۲: ۳۴۴) هر چند به دلیل مورد وفاق نبودن این شرط در میان تمامی علمای فقه، در کلام برخی از ایشان این حمل، مشروط به اتّفاق اقوال عامه در مسئله نشده است. (موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ج ۲: ۸۰ و ۸۱؛ عاملی، ۱۴۱۹: ج ۲: ۱۳۳؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۵۷) به علاوه آنچه تحقیق ثابت می‌کند این است که مضامین و احکام صادره از ائمه علیهم السلام در پاره‌ای موارد، موافق با بعضی از مذاهب اهل سنت و مخالف با برخی دیگر بوده است و اتّفاق عامه نیز آن چنان تعداد قابل توجّهی از فتاوی ایشان را در بر نمی‌گیرد تا بتوان دایره مرجّحیت «مخالفت با عامه» را بدان محدود کرد و اینجاست که طبق آنچه مقبوله ما را در چنین مواردی رهنمون می‌شود بایست مخالفت با رأیی از عامه را ملاک قرار داد که حکام و قضات ایشان تمایل بیشتری بدان نشان داده‌اند.

^۶ شیخ یوسف بحرانی خلاف رأی مشهور، در حمل بر تقیّه قائل به شرطیت موافقت با عامه نیست و فرضی را تصوّر می‌کند که تقیّه بدون در نظر گرفتن موافقت با عامه جاری باشد و وجه رأی خویش را صرف القای خلاف برای تحفّظ جان شیعیان بیان می‌کند (بحرانی، ۱۴۲۳: ج ۲: ۳۱۱).

(بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۲۳: ۷۲) در همین زمینه برخی از اصولیان از این نحوه انتخاب میان اقوال عامّه برای احتراز و دوری جستن از آن، تعبیر به شهرت فتوایی در میان عامّه کرده‌اند؛ (انصاری، ۱۴۱۶: ج ۲: ۸۱۱) به دیگر عبارت، اولویتی را که فقره مورد اشاره از مقبوله عمر بن حنظله بدان توجه می‌دهد، بر مخالفت با بعض معتدبه-و نه قول شاذ در میان عامّه-حمل کرده‌اند (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۸: ج ۲: ۵۸۹) و البته، برخی هم تحت شرایطی، از حکم به تخییر به‌عنوان راهکاری در این مواقع بهره برده‌اند. (طوسی، ۱۴۱۷: ج ۱: ۱۴۸)

رویکردهای دیگری نیز نسبت به نحوه انتخاب قلمرو مصداقی عامّه بروز کرده‌است: ازجمله، صاحب قوانین با تحلیل اقتضائات و شرح حال این مرجع، اعتقاد خویش را بر وجود سه شرط طولی برای اعمال آن عنوان می‌کند. وی در این رابطه بیان می‌دارد که با توجه به کثرت اختلافات عامّه در مسائل فقهی، ترجیح خبر مخالف بر موافق از باب تقیّه، یا به موافقت روایت با جمیع عامّه حاصل می‌شود و یا اینکه موافقت با آن بخش از عامّه بایستی لحاظ شود که معاصر امامی هستند که خبر موافق از ایشان صادر شده‌است و یا عامّه‌ای که هم‌عصر راوی آن خبر هستند بایستی ملاک عمل قرار گیرند (میرزای قمی، ۱۴۳۰: ج ۴: ۶۰۳). شارح قوانین الاصول نیز به پیروی از ایشان، مجرد موافقت با عامّه را بدون احراز یکی از این سه شرط، در حمل بر تقیّه کافی ندانسته‌است. (قزوینی، ۱۲۹۹: ج ۲: ۲۰۹ و ۲۱۰)

حاصل آنکه در صورت کشف قرائنی که از موقعیت دقیق مکان و زمان صدور، و همچنین وضعیت عامّه به لحاظ تکثر یا تجمع آرا و نیز واقعیت تقیّه در محیط اجتماعی خاصی از اهل سنت، پرده برمی‌دارد، می‌توان خصوص عامّه شناسایی شده را معیار مخالفت و موافقت قرار داد و ظنّ به تقیّه نسبت به یکی از دو خبر را با ملاحظه عصر حضور امام علیه السلام و شهر سکناى ایشان و قضات زمان و شهر حضرت علیه السلام، ملاک عمل دانست.

البته، طبق اقوال دیگری که در مسئله موجود است، این اختلافات، مبنایی قلمداد شده و بر اساس ملاک‌های مقبول در مسئله بدین نحو، تفکیکی صورت گرفته‌است:

بنا بر نظر کسانی که در مرجحیت «مخالفت با عامّه»، تقیّه را ملاک قرار می‌دهند، موافقت خبر با مذهب حاضران در عصر امام علیه السلام یا متقدمان بر زمان ایشان شرط است، به‌گونه‌ای که احتمال تقیّه در برابر آن‌ها وجود داشته باشد؛ از این رو موافقت با مذهب متأخران از زمان صدور خبر کفایت نمی‌کند و ملاک، عامّه ساکن در شهری که امام علیه السلام در آن بودند و یا شهر راوی است، بلکه بایستی از افرادی باشند که احتمال تقیّه نیز در حقّ آن‌ها رواست؛ بنابراین، در صورت علم به عدم موجب تقیّه، از این جهت، مرجحیتی برای خبر مخالف عامّه وجود نخواهد داشت.

اما طبق مبنایی که معیار حقانیت مخالف عامّه را برگزیده، موافقت خبر با قول یکی از عامّه نیز کفایت می‌کند، گرچه که در عصر حاضر باشد و در چنین صورتی فرقی میان شهری که امام علیه السلام در آن سکونت داشتند با سایر بلاد نیست، لیکن انصاف آن است که قول یک نفر از عامّه در

کشف این مطلب که رشد و حق در خلاف ایشان است، کفایت نکند؛ بنابراین، بهتر آن است که تعداد قابل توجهی از عامه ملاک باشند. (یزدی، ۱۴۲۶: ۵۲۲)

برخی نیز خلاف این مطلب را از ملاک‌های موجود برداشت کرده و معتقدند:

چنانچه معیار، طریقت به واقع باشد، موافقت جمیع یا اکثریت اهل سنت شرط خواهد بود؛ چراکه مقتضای تعلیل به این مطلب که رشد در خلاف نظر عامه است، مخالفت با همه یا معظم ایشان است و بنا بر مناط تقیه، موافقت بعضی عامه و یا مخالفتی که به واسطه آن، ظن به صدور موافق از باب تقیه حاصل شود، کفایت می‌کند و در چنین صورتی بایست فتاوی عامه در زمان صدور روایت، مورد لحاظ واقع شود و نیز توجه به این امر که قضات و حکام عامه به کدام فتوا تمایل بیشتری داشته و کدام فتوا نزد ایشان شهرت یافته است، ضرورت می‌یابد. (تبریزی، ۱۳۶۹: ۶۲۹)

در نگاهی دیگر، وقوع اختلاف میان مذاهب اهل سنت را نمی‌توان به عنوان مانعی همیشگی برای حمل بر تقیه در نظر آورد؛ زیرا ممکن است امام علیه السلام جواب پرسشگران مختلف از مذاهب مختلف فقهی زمان خود را داده باشد؛ علاوه بر اینکه ممکن است برای حفظ جان اصحاب، نسبت به هریک، طبق مذهب خاصی از مذاهب موجود در زمان خود، فتوا صادر کرده باشد. (صفری، ۱۳۸۱: ۴۱۳)

همان‌طور که شاهد بودیم اختلافات موجود در این زمینه به حدی است که شاید به سادگی نتوان در باب تعیین مصداق واقعی عامه، نسخه‌ای جامع و فراگیر نسبت به تمامی موارد حمل بر تقیه ارائه داد.

شرط ششم: ارزیابی رتبه مخالفت با عامه نسبت به سایر مرجحات

اخذ به خبر مخالف عامه، مطلبی نیست که تحت هر شرایطی بتوان از آن به مثابه ترجیح‌دهنده اخبار متعارض سود جست، بلکه قبل از آن می‌بایست رتبه و جایگاه آن را در قیاس با دیگر مرجحات سنجید و تنها در صورتی می‌توان روایت موافق با عامه را حمل بر تقیه کرد که در میان همه مرجحات، «مخالفت با عامه» را مقدم شمرد.

اصولیان در این زمینه اختلاف آراء بسیاری دارند. (ر. ک: طوسی، ۱۴۱۷ق: ج ۱: ۱۴۷؛ انصاری، ۱۴۱۶ق: ج ۲: ۸۱۲؛ رشتی، بی‌تا: ۴۵۵؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق: ۴۵۳ و ۴۵۴؛ نائینی، ۱۳۷۶: ج ۴: ۷۷۹ و ۷۸۰؛ عراقی، ۱۴۱۷ق: ج ۴: قسم ۲: ۲۰۲؛ مظفر، ۱۴۳۰ق: ج ۳: ۲۵۸؛ خمینی، ۱۴۲۰ق: ج ۲: ۴۱۲؛ خمینی، ۱۴۳۰ق: ۴۱۱؛ خوئی، ۱۴۲۲ق: ج ۲: ۴۹۸ و ۴۹۹)

از مجموع نظرات موجود می‌توان چنین برداشتی داشت که با لحاظ تفکیک میان دو مبنای بسنده کردن به مرجحات منصوصه و یا تعمیم به سایر مرجحات، در فرض نخست، تنها می‌توان رابطه‌ای طولی میان موافقت با کتاب و «مخالفت با عامه» را از روایات قطب راوندی پی برد، اما طبق رأی دوم، به نظر می‌رسد در تراحم میان مرجحات، بایستی خصوصیات هر مورد را در نظر گرفت و هرگاه ملاک

کاشفیت و واقع‌نمایی در یکی از آن‌ها اقوی بود، همان‌یک را بر دیگری ترجیح داد و در صورت تکافوی مرجّحات، مطلقاً تخییر را حاکم دانست. (ر. ک: پایان‌نامه بررسی رویکردهای عملی فقیهان امامیه به مخالفت با عامّه در باب تعارض اخبار، مبحث جایگاه مخالفت با عامّه در میان سایر مرجّحات) وضعیت ترتیبی «مخالفت با عامّه» به‌عنوان مرجّح جهتی در میان سایر مرجّحات، همانگونه که در رویکردهای اصولی نمودار است، در فقه نیز مورد اهتمام برخی از فقها قرار گرفته و فارغ از اتخاذ هریک از دیدگاه‌های مذکور، در مواردی عدم رعایت رابطه طولی در اخذ به این مرجّح را نشانه‌ای برای صحیح نبودن کاربرد آن، جهت حلّ تعارض در مسئله فقهی قرار داده‌است. (برای نمونه ر. ک: بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۲۵: ۳۴۱؛ میرزای قمی، ۱۴۲۰: ۱۷۲؛ همدانی، ۱۴۱۶: ج ۵: ۱۹۱)

به‌طور مثال، صاحب حدائق در ضمن بیان اشتراط عقد دائم در تأثیر محلّ، به‌صراحت به این مسئله توجّه می‌دهد که طرق ترجیحی مذکور در مقبوله عمر بن حنظله، ناظر بر رابطه‌ای طولی میان آن‌ها بوده که نخست اختصاص به ترجیح عدلیت، افضلیت و اورعیت (پرهیزگارتر بودن) زوات دارد و سپس ترجیح به شهرت، لحاظ می‌شود و در مرتبه سوم است که سخن از «مخالفت با عامّه» به میان می‌آید و جز در صورت تعدّر ترجیح به مراتب قبل، نوبت به آن نمی‌رسد. (بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۲۵: ۳۴۱) نمونه دیگر آنجاست که فقیه‌ای با لحاظ ترتّب میان دو مرجّح موافقت با کتاب و «مخالفت با عامّه»، در مسئله حاجب بودن مسلمان از ارث‌بری ورثه کافر می‌نویسد: حمل بر تقیّه ابتدائاً و در وهله نخست صحیح نیست و تنها زمانی می‌توان بدان پناه جست که ترجیح سندی مقدّم بر حمل بر تقیّه، مانند ترجیح به موافقت با کتاب و طرح مخالف کتاب در مسئله موجود نباشد؛ چراکه موافقت با کتاب بر «مخالفت با عامّه» مقدّم بوده و با وجود آن، نوبت به حمل بر تقیّه نمی‌رسد. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳: ج ۱: ۱۶۶)

در پایان، بایستی اذعان کرد که احراز همه شروط ذکرشده، دشواری‌های پیش روی اعمال این مرجّح را بیش از پیش نمایان می‌کند؛ چنان‌که مطالعه در آثار فقهی نیز آسیب‌های مسئله را هویدا می‌سازد و متذکّر می‌شود که در کثیری از موارد، حمل بر تقیّه‌ها و ترجیح‌ها از ضوابط و شروط لازم برخوردار نبوده‌است.

نتایج

از میان نگاشته‌های فقهی و اصولی مجموعاً شش شرط برای اخذ به مرجّح «مخالفت با عامّه» استخراج شد:

۱. اشتراط تعارض؛ طبق این شرط، ترجیح و به‌کارگیری مرجّحیت «مخالفت با عامّه» به‌مانند سایر مرجّحات، فرع وقوع تعارض میان روایات است.
۲. احراز اصالة الصدور دو خبر متعارض؛ مراد از این شرط، فارغ آمدن از صدور اطمینانی و حجّیت هر دو دسته روایات متعارض از حیث صدور از جانب معصوم علیه السلام است.

۳. عدم امکان جمع عرفی؛ این شرط از بدوی نبودن تعارض و استقرار آن خبر می‌دهد.
 ۴. امکان احراز موافقت با عامه و حمل بر تقیه؛ دستیابی به رأی و نظر عامه و احراز موافقت و مخالفت با ایشان و راهیابی احتمال تقیه معصومان علیهم السلام در عصر صدور خبرین متعارضین نسبت به هریک از مذاهب عامه مهم‌ترین شرط اجرای این مرجح به شمار می‌رود. بر اساس این شرط کارایی مرجحیت «مخالفت با عامه» اختصاص به زمان حضور ائمه علیهم السلام یافته و نسبت به ازمنه بعدی، کارکردی بسیار محدود و نادر می‌تواند داشته باشد.
 ۵. احراز نظر یکپارچه یا مشهور عامه؛ این شرط مورد وفاق تمامی علمای فقه و اصول نیست، بلکه اختلافات موجود در زمینه تحدید قلمرو مصداقی عامه به حدی است که به سادگی نمی‌توان در مورد تعیین مصداق واقعی عامه، نسخه‌ای واحد نسبت به کل موارد حمل بر تقیه ارائه کرد.
 ۶. ارزیابی رتبه مخالفت با عامه نسبت به سایر مرجحات؛ در پرتو این شرط، «مخالفت با عامه» نسبت به سایر مرجحات، تأخر رتبی دارد و فقط در صورت نبود سایر مرجحات قابل به‌کارگیری است.
- بررسی مصادیق کاربست «مخالفت با عامه»، بیانگر عدم التزام بسیاری از فقها به تمامی شروط یادشده در اکثر مصادیق به‌کارگیری این مرجح است که نوعی گسیختگی در آرا و استدلال‌های فقهی را باعث شده است و همین نکته نگران‌کننده، لزوم بازنگری در این ملاک ترجیحی را یادآور می‌شود.

منابع

- آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین (۱۴۰۹ق). کفایة الأصول. ج ۱. مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- آل شیخ راضی، محمدطاهر (۱۴۲۶ق). بداية الوصول فی شرح کفایة الأصول. ج ۲. دار الهدی.
- آل کاشف الغطاء، هادی (۱۴۲۳ق). الرد علی موسى جار الله. ج ۱. مؤسسه کاشف الغطاء.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق). عوالی اللّٰلی العزیزیه. ج ۱. دار سیّد الشهداء للنشر.
- ابن ادريس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. ج ۲. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۶ش). علل الشرائع. ج ۱. کتابفروشی داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ق الف). عیون اخبار الرضا علیه السلام. تصحیح و تعلیق حسین اعلمی. مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ق ب). من لا یحضره الفقیه. ج ۲. منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیه فی قم المقدسه.
- ابن طاوس، علی بن موسی (۱۴۰۶ق). فلاح السائل و نجاح المسائل. ج ۱. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- اراکي، محمدعلی (۱۴۱۹ق). کتاب النکاح. ج ۱. نور نگار.
- استرآبادی، محمدامین بن محمدشریف (۱۴۲۶ق). الفوائد المدنیة و بذیله الشواهد المکیة. ج ۲. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- امین، شریف یحیی (۱۴۰۶ق). معجم الفرق الاسلامیه. ج ۱. دار الاضواء.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵ق). کتاب الصلاة. ج ۱. کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۶ق). فرائد الاصول. ج ۵. مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. ج ۱. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۲۳ق). الدرر النجفیه من الملتقطات البیوسفیة. ج ۱. دار المصطفی لایحیاء التراث.

برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق). المحاسن. ج ۲. دار الکتب الاسلامیة.

بهیہانی، محمدباقر بن محمد اکمل (۱۴۱۵ق). الفوائد الحائریة. ج ۱. مجمع فکر الاسلامی.

بهیہانی، محمدباقر بن محمد اکمل (۱۴۱۹ق). الحاشیة علی مدارک الاحکام. ج ۱. مؤسسہ آل البيت علیہم السلام.

تبریزی، موسی بن جعفر (۱۳۶۹ق). أوثق الوسائل فی شرح الرسائل. ج ۱. کتبی نجفی.

جزایری، عبدالله بن نورالدین (بی تا). التحفة السنیة فی شرح النخبة المحسنیة. ج ۱. محقق کتاب.

خز عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. ج ۲. مؤسسہ آل البيت علیہم السلام لإحیاء التراث بقم المشرفة.

حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد (۱۴۱۹ق). مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة. ج ۱. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.

حلی، حسین (۱۴۳۲ق). أصول الفقه. ج ۱. مكتبة الفقه و الاصول المختصة.

حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق). قرب الاسناد. ج ۱. مؤسسہ آل البيت.

حیدری، کمال (۱۴۲۸ق). الدروس شرح الحلقة الثانية. ج ۱. دار فراق للطباعة و النشر.

خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (۱۴۲۰ق). معتمد الاصول. تقریر محمد فاضل لنکرانی. ج ۱. مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (۱۴۳۰ق). محاضرات فی الاصول. ج ۱. مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۷ق). محاضرات فی أصول الفقه. ج ۴. دار الہادی للمطبوعات.

خوئی، ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). مصباح الأصول. ج ۱. مؤسسہ احیاء آثار الامام الخوئی.

رشتی، حبیب الله بن محمد علی (بی تا). بدائع الأفكار. ج ۱. مؤسسہ آل البيت.

سبحانی تبریزی، جعفر (بی تا). تاریخ الفقه الاسلامی و ادواره. بی تا.

شب زنده دار، محمد مهدی (۱۳۹۲، ۶ خرداد). درس خارج اصول. [تقریرات]. دریافت شده از

<http://mfef.ir/taghrirat>

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام الى تنقيح شرائع الاسلام. ج ۱. مؤسسه المعارف الإسلامية.

صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر (۱۴۰۴ق). جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام. ج ۷. دار إحياء التراث العربی.

صالحی مازندرانی، اسماعیل (۱۴۲۴ق). مفتاح الاصول. ج ۱. صالحان.

صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات الكبرى فى فضائل آل محمد. ج ۲. مكتبة آية الله المرعشى النجفی.

صفری، نعمت الله (۱۳۸۱ش). نقش تقيّه در استنباط. ج ۱. مؤسسه بوستان كتاب قم (انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم).

طباطبایى حكيم، محمد سعيد (۱۴۱۴ق). المحكم فى أصول الفقه. ج ۱. مؤسسه المنار.

طباطبایى حكيم، محمد سعيد (۱۴۲۸ق). الكافى فى اصول الفقه. ج ۴. دار الهلال.

طباطبائى كربلايى، على بن محمد على (۱۴۱۸ق). رياض المسائل فى تحقيق الاحكام بالدلائل. ج ۱. مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

طوسى، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق). الاستبصار فيما اختلف من الاخبار. ج ۱. دار الكتب الاسلامية.

طوسى، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذيب الاحكام. ج ۴. دار الكتب الاسلامية.

طوسى، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق). العدة فى أصول الفقه. ج ۱. محمدتقى علاقبنديان.

عاملی، محمد بن حسن بن زين الدين (۱۴۱۹ق). استقصاء الاعتبار فى شرح الاستبصار. ج ۱. مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

عراقى، ضياء الدين (۱۴۱۷ق). نهاية الافكار. ج ۳. دفتر انتشارات اسلامى (وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم).

عراقى، ضياء الدين (۱۴۲۰ق). مقالات الاصول. ج ۱. مجمع الفكر الاسلامى.

على بن ابى طالب عليه السلام، امام اول (۱۳۸۳ش). نهج البلاغة. تأليف محمد بن حسين شريف الرضى. ترجمه محمد دشتى. ج ۲۱. مؤسسه فرهنگى تحقيقاتى امير المؤمنين عليه السلام.

على بن حسين عليه السلام، امام چهارم (۱۴۱۸ق). الصحيفة السجادية. ج ۱. دفتر نشر الهادى.

على زاده نورى، عطيه (۱۳۹۷ش). بررسى رويكردهاى عملى فقيهان اماميه به مخالفت با عامّه در باب تعارض اخبار [پايان نامه کارشناسى ارشد]. دانشگاه فردوسى مشهد.

- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). کشف اللثام و الإيهام عن قواعد الاحکام. چ ۱. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴ق). التنقيح الرائع لمختصر الشرائع. چ ۱. انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.
- فرهنگ نامه اصول فقه (۱۳۸۹ش). تهیه و تدوین مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی. چ ۱. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (بی تا). مفاتیح الشرائع. چ ۱. انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی رحمه الله.
- قزوینی، علی بن اسماعیل (۱۲۹۹ق). الحاشیة على قوانین الأصول. چ ۱. مطبعة حاجی ابراهیم تبریزی.
- قزوینی، علی بن اسماعیل (۱۴۲۷ق). تعلیقة على معالم الأصول. چ ۱. دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
- کاشف الغطاء، حسن بن جعفر (۱۴۲۲ق). انوار الفقاهة: کتاب الزکاة. چ ۱. مؤسسه کاشف الغطاء.
- کاشف الغطاء، علی بن محمد رضا (بی تا). کتاب الصلاة. مؤسسه کاشف الغطاء.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. چ ۴. دار الکتب الاسلامیة.
- کمره ای، محمد باقر (بی تا). اصول الفوائد الغروية فی مسائل علم أصول الفقه الاسلامی. چ ۱. مطبعة فردوسی.
- مامقانی، عبدالله (۱۳۵۰ق). حاشیة على رسالة فی المواسعة و المضایقة. چ ۱. مجمع الذخائر الاسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۶ق). ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار. چ ۱. انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.
- مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی (۱۴۰۶ق). روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه. چ ۲. مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
- محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۲۴۷ق). ذخيرة المعاد فی شرح الارشاد. چ ۱. مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- محمدی، علی (۱۳۸۵ش). شرح کفایة الأصول. چ ۴. الامام الحسن بن علی علیه السلام.

- مشکور، محمدجواد (۱۳۶۸ش). فرهنگ فرق اسلامی. بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- مظفر، محمد رضا (۱۴۳۰ق). اصول الفقه. چ ۵. مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم.
- موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق الف). مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرایع الاسلام. چ ۱. مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق ب). نه‌ایة المرام فی شرح مختصر شرائع الإسلام. چ ۱. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۴۲۰ق). مناهج الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام. چ ۱. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۴۳۰ق). القوانين المحكمة فی الاصول. چ ۱. احياء الكتب الاسلامية.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶ش). فوائد الاصول. چ ۱. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق). مستند الشيعة فی احکام الشريعة. چ ۱. مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۲۲ق). رسائل و مسائل. چ ۱. کنگره نراقیین مآله مهدی و مآله احمد.
- نراقی، مهدی بن ابی ذر (۱۴۳۰ق). انیس المجتهدین فی علم الاصول. چ ۱. مؤسسه بوستان کتاب.
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۲۳ق). قراءات فقهية معاصرة. چ ۱. مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بيت عليهم السلام.
- همدانی، رضا بن محمد هادی (۱۴۱۶ق). مصباح الفقيه. چ ۱. مؤسسه الجعفرية لإحياء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی.
- یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم (۱۴۲۱ق). رسالة فی منجزات المريض. چ ۲. مؤسسه اسماعیلیان.
- یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم (۱۴۲۶ق). التعارض. چ ۱. مؤسسه انتشارات مدين.

References (including transcribed/translated titles)

- Ākhūnd Khurāsānī, Muḥammad Kāzīm b. Ḥusayn (1409 AH). *Kifāyat al-uṣūl*. 1st ed. Mu'assasat Āl al-Bayt 'alayhim al-salām. (in Arabic)
- Al-i Kāshif al-Ghiṭā', Hādī (1423 AH). *al-Radd 'alā Mūsā Jār Allāh*. 1st ed. Mu'assasa-yi Kāshif al-Ghiṭā'. (in Arabic)

Al-i Shaykh Rāḍī, Muḥammad Tāhir (1426 AH). *Bidāyat al-wuṣūl fī sharḥ Kifāyat al-uṣūl*. 2nd ed. Dār al-Hudā. (in Arabic)

‘Alī b. Abī Ṭālib ‘alayhi al-salām, Imām-i Avval (1383 Sh). *Nahj al-balāgha*. Comp. Muḥammad b. Ḥusayn Sharīf al-Raḍī. Trans. Muḥammad Dashtī. 21st ed. Mu’assasa-yi Farhangī-yi Taḥqīqātī-yi Amīr al-Mu’minīn ‘alayhi al-salām. (in Arabic)

‘Alī b. Ḥusayn ‘alayhi al-salām, Imām-i Chahārum (1418 AH). *al-Ṣaḥīfa al-Sajjādiyya*. 1st ed. Daftar-i Nashr-i al-Hādī. (in Arabic)

‘Alīzādih Nūrī, ‘Aṭīyyah (1397 Sh). *Barrasī-yi rūykardhā-yi ‘amalī-yi faqīhān-i Imāmiyyah bih mukhālafat bā ‘āmmah dar bāb-i ta’arūḍ-i akhbār* [Master’s thesis]. Dānishgāh-i Firdawsī-yi Mashhad. (in Persian)

‘Āmilī, Muḥammad b. Ḥasan b. Zayn al-Dīn (1419 AH). *Istiqṣā’ al-i tibār fī sharḥ al-Istibṣār*. 1st ed. Mu’assasat Āl al-Bayt ‘alayhim al-salām. (in Arabic)

Amīn, Sharīf Yahyā (1406 AH). *Mu’jam al-firaq al-Islāmiyya*. 1st ed. Dār al-Aḍwā’. (in Arabic)

Anṣārī, Murtaḍā b. Muḥammad Amīn (1415 AH). *Kitāb al-ṣalāt*. 1st ed. Kungrih-yi Jahānī-yi Buzurgdāsh-t-i Shaykh-i A’zam-i Anṣārī. (in Arabic)

Anṣārī, Murtaḍā b. Muḥammad Amīn (1416 AH). *Farā’id al-uṣūl*. 5th ed. Mu’assasat al-Nashr al-Islāmī al-tābi‘a li-Jamā‘at al-Mudarrisīn bi-Qum. (in Arabic)

Arākī, Muḥammad ‘Alī (1419 AH). *Kitāb al-nikāḥ*. 1st ed. Nūr Nigār. (in Arabic)

Astarābādī, Muḥammad Amīn b. Muḥammad Sharīf (1426 AH). *al-Fawā’id al-Madaniyya wa-bi-dhaylihi al-Shawāhid al-Makkiyya*. 2nd ed. Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-yi Vābastah bih Jāmi‘ah-yi Mudarrisīn-i Ḥawzah-yi ‘Ilmiyyah-yi Qum. (in Arabic)

Bahrānī, Yūsuf b. Aḥmad (1405 AH). *al-Ḥadā’iq al-nādira fī aḥkām al-‘itra al-ṭāhira*. 1st ed. Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-yi Vābastah bih Jāmi‘ah-yi Mudarrisīn-i Ḥawzah-yi ‘Ilmiyyah-yi Qum. (in Arabic)

Bahrānī, Yūsuf b. Aḥmad (1423 AH). *al-Durar al-Najafiyya min al-multaqaṭāt al-Yūsufiyya*. 1st ed. Dār al-Muṣṭafā li-Iḥyā’ al-Turāth. (in Arabic)

Barqī, Aḥmad b. Muḥammad (1371 AH). *al-Maḥāsin*. 2nd ed. Dār al-Kutub al-Islāmiyya. (in Arabic)

Bihbihānī, Muḥammad Bāqir b. Muḥammad Akmal (1415 AH). *al-Fawā’id al-Ḥā’iriyya*. 1st ed. Majma‘ al-Fikr al-Islāmī. (in Arabic)

Bihbihānī, Muḥammad Bāqir b. Muḥammad Akmal (1419 AH). *al-Ḥāshiya ‘alā Madārik al-aḥkām*. 1st ed. Mu’assasa-yi Āl al-Bayt ‘alayhim al-salām. (in Arabic)

Fāḍil-i Hindī, Muḥammad b. Ḥasan (1416 AH). *Kashf al-lithām wa-al-ibhām 'an qawā'id al-aḥkām*. 1st ed. Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-yi Vābastah bih Jāmi'ah-yi Mudarrisīn-i Ḥawzah-yi 'Ilmiyyah-yi Qum. (in Arabic)

Fāḍil-i Miqdād, Miqdād b. 'Abd Allāh (1404 AH). *al-Tanqīh al-rā'i li-mukhtaṣar al-Sharā'i'*. 1st ed. Intishārāt-i Kitābkhānah-yi Āyat Allāh Mar'ashī Najafī. (in Arabic)

Farhangnāmah-yi uṣūl-i fiqh (1389 Sh). Comp. Markaz-i Ittīlā'āt va Madārik-i Islāmī. 1st ed. Pizhūhishgāh-i 'Ulūm va Farhang-i Islāmī, Mu'āvanat-i Pizhūhishī-yi Daftar-i Tablīghāt-i Islāmī-yi Ḥawzah-yi 'Ilmiyyah-yi Qum. (in Persian)

Fayḍ-i Kāshānī, Muḥammad b. Shāh Murtaḍā (n.d.). *Maḥfātīh al-sharā'i'*. 1st ed. Intishārāt-i Kitābkhānah-yi Āyat Allāh Mar'ashī Najafī. (in Arabic)

Hamadānī, Riḍā b. Muḥammad Hādī (1416 AH). *Miṣbāḥ al-faqīh*. 1st ed. Mu'assasat al-Ja'fariyya li-Iḥyā' al-Turāth wa-Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī. (in Arabic)

Hāshimī Shāhrūdī, Maḥmūd (1423 AH). *Qirā'āt fiqhiyya mu'āsira*. 1st ed. Mu'assasa-yi Dā'irat al-Ma'ārif-i Fiqh-i Islāmī bar Madhhab-i Ahl-i Bayt 'alayhim al-salām. (in Arabic)

Ḥaydarī, Kamāl (1428 AH). *al-Durūs sharḥ al-Ḥalqa al-thāniya*. 1st ed. Dār Farāqīd li-al-Ṭibā'a wa-al-Nashr. (in Arabic)

Hillī, Ḥusayn (1432 AH). *Uṣūl al-fiqh*. 1st ed. Maktabat al-Fiqh wa-al-Uṣūl al-Mukhtaṣṣa. (in Arabic)

Ḥimyarī, 'Abd Allāh b. Ja'far (1413 AH). *Qurb al-isnād*. 1st ed. Mu'assasa-yi Āl al-Bayt. (in Arabic)

Ḥurr-i 'Āmilī, Muḥammad b. Ḥasan (1414 AH). *Wasā'il al-Shī'a ilā taḥṣīl masā'il al-sharī'a*. 2nd ed. Mu'assasat Āl al-Bayt 'alayhim al-salām li-Iḥyā' al-Turāth bi-Qum al-Musharrafā. (in Arabic)

Ḥusaynī 'Āmilī, Muḥammad Jawād b. Muḥammad (1419 AH). *Miftāḥ al-karāma fī sharḥ Qawā'id al-'Allāma*. 1st ed. Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-yi Vābastah bih Jāmi'ah-yi Mudarrisīn-i Ḥawzah-yi 'Ilmiyyah-yi Qum. (in Arabic)

Ibn Abī Jumhūr, Muḥammad b. Zayn al-Dīn (1405 AH). *'Awālī al-la'ālī al-'azīziyya*. 1st ed. Dār Sayyid al-Shuhadā' li-al-Nashr. (in Arabic)

Ibn Bābawayh, Muḥammad b. 'Alī (1386 Sh). *Ilal al-sharā'i'*. 1st ed. Kitābfurūshī-yi Dāvarī. (in Arabic)

Ibn Bābawayh, Muḥammad b. 'Alī (1404 AH a). *'Uyūn akhbār al-Riḍā 'alayhi al-salām*. Ed. Ḥusayn A'lamī. Mu'assasat al-A'lamī li-al-Maṭbū'āt. (in Arabic)

Ibn Bābawayh, Muḥammad b. ‘Alī (1404 AH b). *Man lā yaḥḍuruhu al-faḡh*. 2nd ed. Manshūrāt Jamā‘at al-Mudarrisīn fī al-Ḥawza al-‘Ilmiyya fī Qum al-Muqaddasa. (in Arabic)

Ibn Idrīs, Muḥammad b. Aḥmad (1410 AH). *al-Sarā‘ir al-ḥāwī li-taḥrīr al-fatāwī*. 2nd ed. Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-yi Vābastah bih Jāmi‘ah-yi Mudarrisīn-i Ḥawzah-yi ‘Ilmiyyah-yi Qum. (in Arabic)

Ibn Tāwūs, ‘Alī b. Mūsā (1406 AH). *Falāḥ al-sā‘il wa-naḡāḥ al-masā‘il*. 1st ed. Intishārāt-i Daftar-i Tablīghāt-i Islāmī-yi Ḥawzah-yi ‘Ilmiyyah-yi Qum. (in Arabic)

‘Irāqī, Ḍiyā‘ al-Dīn (1417 AH). *Nihāyat al-aḡkār*. 3rd ed. Daftar-i Intishārāt-i Islāmī (Vābastah bih Jāmi‘ah-yi Mudarrisīn-i Ḥawzah-yi ‘Ilmiyyah-yi Qum). (in Arabic)

‘Irāqī, Ḍiyā‘ al-Dīn (1420 AH). *Maqālāt al-uṣūl*. 1st ed. Majma‘ al-Fikr al-Islāmī. (in Arabic)

Jazā‘irī, ‘Abd Allāh b. Nūr al-Dīn (n.d.). *al-Tuḥfa al-saniyya fī sharḥ al-Nukhba al-Muḥsiniyya*. 1st ed. Muḥaqqiq-i Kitāb. (in Arabic)

Kamara‘ī, Muḥammad Bāqir (n.d.). *Uṣūl al-fawā‘id al-Gharawiyya fī masā‘il ‘ilm uṣūl al-fiqh al-Islāmī*. 1st ed. Maṭba‘ah-yi Firdawsī. (in Arabic)

Kāshif al-Ghiṭā‘, ‘Alī b. Muḥammad Riḍā (n.d.). *Kitāb al-ṣalāt*. Mu‘assasa-yi Kāshif al-Ghiṭā‘. (in Arabic)

Kāshif al-Ghiṭā‘, Ḥasan b. Ja‘far (1422 AH). *Anwār al-faḡāha: Kitāb al-zakāt*. 1st ed. Mu‘assasa-yi Kāshif al-Ghiṭā‘. (in Arabic)

Khumaynī, Rūḥ Allāh, Rahbar-i Inqilāb va Bunyāngudhār-i Jumhūrī-yi Islāmī-yi Īrān (1420 AH). *Mu‘tamad al-uṣūl*. Report by Muḥammad Faḍīl Lankarānī. 1st ed. Mu‘assasa-yi Tanzīm va Nashr-i Āthār-i Imām Khumaynī. (in Arabic)

Khumaynī, Rūḥ Allāh, Rahbar-i Inqilāb va Bunyāngudhār-i Jumhūrī-yi Islāmī-yi Īrān (1430 AH). *Muḥāḍarāt fī al-uṣūl*. 1st ed. Mu‘assasa-yi Tanzīm va Nashr-i Āthār-i Imām Khumaynī. (in Arabic)

Khū‘ī, Abū al-Qāsim (1417 AH). *Muḥāḍarāt fī uṣūl al-fiqh*. 4th ed. Dār al-Hādī li-al-Maṭbū‘āt. (in Arabic)

Khū‘ī, Abū al-Qāsim (1422 AH). *Miṣbāḥ al-uṣūl*. 1st ed. Mu‘assasat Iḥyā‘ Āthār al-Imām al-Khū‘ī. (in Arabic)

Kulaynī, Muḥammad b. Ya‘qūb (1407 AH). *al-Kāfī*. 4th ed. Dār al-Kutub al-Islāmiyya. (in Arabic)

Majlisī, Muḥammad Bāqir b. Muḥammad Taqī (1416 AH). *Malādh al-akhyār fī fahm Tahdhīb al-akhbār*. 1st ed. Intishārāt-i Kitābkhānah-yi Āyat Allāh Mar‘ashī Najafī. (in Arabic)

Majlisī, Muḥammad Taqī b. Maqṣūd ‘Alī (1406 AH). *Rawḍat al-muttaqīn fī sharḥ Man lā yaḥḍuruhu al-faqīh*. 2nd ed. Mu’assasa-yi Farhangī-yi Islāmī-yi Kūshānpūr. (in Arabic)

Māmaqānī, ‘Abd Allāh (1350 AH). *Hāshiya ‘alā Risāla fī al-muwāsa‘a wa-al-muḍāyaqa*. 1st ed. Majma‘ al-Dhakhā‘ir al-Islāmiyya. (in Arabic)

Mashkūr, Muḥammad Jawād (1368 Sh). *Farhang-i fīraq-i Islāmī*. Bunyād-i Pizhūhishhā-yi Āstān-i Quds-i Raḍavī. (in Persian)

Mīrzā-yi Qummī, Abū al-Qāsim b. Muḥammad Ḥasan (1420 AH). *Manāhiḥ al-aḥkām fī masā‘il al-ḥalāl wa-al-ḥarām*. 1st ed. Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-yi Vābastah bih Jāmi‘ah-yi Mudarrisīn-i Ḥawzah-yi ‘Ilmiyyah-yi Qum. (in Arabic)

Mīrzā-yi Qummī, Abū al-Qāsim b. Muḥammad Ḥasan (1430 AH). *al-Qawānīn al-muḥkama fī al-uṣūl*. 1st ed. Iḥyā‘ al-Kutub al-Islāmiyya. (in Arabic)

Muḥammadī, ‘Alī (1385 Sh). *Sharḥ-i Kifāyat al-uṣūl*. 4th ed. al-Imām al-Ḥasan b. ‘Alī ‘alayhi al-salām. (in Persian)

Muḥaqqiq-i Sabzavārī, Muḥammad Bāqir b. Muḥammad Mu‘min (1247 AH). *Dhakhīrat al-ma‘ād fī sharḥ al-Irshād*. 1st ed. Mu’assasa-yi Āl al-Bayt ‘alayhim al-salām. (in Arabic)

Mūsawī ‘Āmilī, Muḥammad b. ‘Alī (1411 AH a). *Madārik al-aḥkām fī sharḥ ‘Ibādāt Sharā‘i‘ al-Islām*. 1st ed. Mu’assasa-yi Āl al-Bayt ‘alayhim al-salām. (in Arabic)

Mūsawī ‘Āmilī, Muḥammad b. ‘Alī (1411 AH b). *Nihāyat al-marām fī sharḥ Mukhtaṣar Sharā‘i‘ al-Islām*. 1st ed. Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-yi Vābastah bih Jāmi‘ah-yi Mudarrisīn-i Ḥawzah-yi ‘Ilmiyyah-yi Qum. (in Arabic)

Muẓaffar, Muḥammad Riḍā (1430 AH). *Uṣūl al-fiqh*. 5th ed. Mu’assasat al-Nashr al-Islāmī al-tābi‘a li-Jamā‘at al-Mudarrisīn bi-Qum. (in Arabic)

Nā‘īnī, Muḥammad Ḥusayn (1376 Sh). *Fawā‘id al-uṣūl*. 1st ed. Jāmi‘ah-yi Mudarrisīn-i Ḥawzah-yi ‘Ilmiyyah-yi Qum. (in Arabic)

Narāqī, Aḥmad b. Muḥammad Mahdī (1415 AH). *Mustanad al-Shī‘a fī aḥkām al-sharī‘a*. 1st ed. Mu’assasa-yi Āl al-Bayt ‘alayhim al-salām. (in Arabic)

Narāqī, Aḥmad b. Muḥammad Mahdī (1422 AH). *Rasā‘il va masā‘il*. 1st ed. Kungrih-yi Narāqiyyayn Mullā Mahdī va Mullā Aḥmad. (in Persian)

Narāqī, Mahdī b. Abī Dharr (1430 AH). *Anīs al-mujtahidīn fī ‘ilm al-uṣūl*. 1st ed. Mu’assasa-yi Būstān-i Kitāb. (in Arabic)

Qazwīnī, ‘Alī b. Ismā‘īl (1299 AH). *al-Hāshiya ‘alā Qawānīn al-uṣūl*. 1st ed. Maṭba‘at Ḥājji Ibrāhīm Tabrizī. (in Arabic)

Qazwīnī, ‘Alī b. Ismā‘īl (1427 AH). *Ta‘līqa ‘alā Ma‘ālim al-uṣūl*. 1st ed. Daftar-i Intishārāt-i Islāmī (Vābastah bih Jāmi‘ah-yi Mudarrisīn-i Ḥawzah-yi ‘Ilmiyyah-yi Qum). (in Arabic)

Rashtī, Ḥabīb Allāh b. Muḥammad ‘Alī (n.d.). *Badā’i’ al-afkār*. 1st ed. Mu’assasa-yi Āl al-Bayt. (in Arabic)

Ṣaffār, Muḥammad b. Ḥasan (1404 AH). *Baṣā’ir al-darajāt al-kubrā fī faḍā’il Āl Muḥammad*. 2nd ed. Maktabat Āyat Allāh al-Mar’ashī al-Najafī. (in Arabic)

Ṣafarī, Ni‘mat Allāh (1381 Sh). *Naqsh-i taqīyyah dar istinbāṭ*. 1st ed. Mu’assasah-yi Būstān-i Kitāb-i Qum (Intishārāt-i Daftar-i Tablīghāt-i Islāmī-yi Ḥawzah-yi ‘Ilmiyyah-yi Qum). (in Persian)

Ṣāhib Jawāhir, Muḥammad Ḥasan b. Bāqir (1404 AH). *Jawāhir al-kalām fī sharḥ Sharā’i’ al-Islām*. 7th ed. Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī. (in Arabic)

Ṣāliḥī Māzandarānī, Ismā‘īl (1424 AH). *Miftāḥ al-uṣūl*. 1st ed. Ṣāliḥān. (in Arabic)

Shabzindahdār, Muḥammad Mahdī (2013, May 27). *Dars-i khārij-i uṣūl*. [Lecture notes]. Retrieved from <http://mfef.ir/taghrirat/> (in Persian)

Shahīd-i Thānī, Zayn al-Dīn b. ‘Alī (1413 AH). *Masālik al-afḥām ilā tanqīḥ Sharā’i’ al-Islām*. 1st ed. Mu’assasat al-Ma‘ārif al-Islāmiyya. (in Arabic)

Subḥānī Tabrizī, Ja‘far (n.d.). *Tārīkh al-fiqh al-Islāmī wa-adwāruh*. n.p. (in Arabic)

Ṭabāṭabā’ī Ḥakīm, Muḥammad Sa‘īd (1414 AH). *al-Muḥkam fī uṣūl al-fiqh*. 1st ed. Mu’assasat al-Manār. (in Arabic)

Ṭabāṭabā’ī Ḥakīm, Muḥammad Sa‘īd (1428 AH). *al-Kāfi fī uṣūl al-fiqh*. 4th ed. Dār al-Hilāl. (in Arabic)

Ṭabāṭabā’ī Karbalā’ī, ‘Alī b. Muḥammad ‘Alī (1418 AH). *Riyāḍ al-masā’il fī taḥqīq al-aḥkām bi-al-dalā’il*. 1st ed. Mu’assasa-yi Āl al-Bayt ‘alayhim al-salām. (in Arabic)

Tabrizī, Mūsā b. Ja‘far (1369 AH). *Awthaq al-wasā’il fī sharḥ al-Rasā’il*. 1st ed. Kutubī Najafī. (in Arabic)

Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan (1390 AH). *al-Istibṣār fī-mā ukhtulifa min al-akḥbār*. 1st ed. Dār al-Kutub al-Islāmiyya. (in Arabic)

Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan (1407 AH). *Tahdhīb al-aḥkām*. 4th ed. Dār al-Kutub al-Islāmiyya. (in Arabic)

Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan (1417 AH). *al-‘Udda fī uṣūl al-fiqh*. 1st ed. Muḥammad Taqī ‘Alāqabandiyān. (in Arabic)

Yazdī, Muḥammad Kāzīm b. ‘Abd al-‘Azīm (1421 AH). *Risāla fī munajjazāt al-marīḍ*. 2nd ed. Mu’assasa-yi Ismā‘īliyyān. (in Arabic)

Yazdī, Muḥammad Kāzīm b. ‘Abd al-‘Azīm (1426 AH). *al-Ta’āruḍ*. 1st ed. Mu’assasa-yi Intishārāt-i Madyan. (in Arabic)